درسگفتار براهین اثبات وجود خدا

جلسه سوم – مؤسسه امام صادق ع – ۱۳۷۲/۱/۱۴

استاد مصطفی ملکیان

بحث ما در باب این بود که وجود خدا اثبات شده است یا اثبات نشده است، و یا اثبات نشدنی است. بعضی از مقدمات بررسی این اقوال ذکر شد. سایر مقدمات لازم در ضمن بحث به هنگام لزوم، خواهد آمد. ما فرض بر این می گیریم که قائل به قول اول هستیم و می گوییم که وجود خدا اثبات شده است. پس باید قول دوم و سوم را رد کنیم.

بررسی قول دوم: وجود خدا اثبات نشده است

اول می پردازیم به قول دوم. قائل به قول دوم می خواهد همۀ ادله اثبات وجود خدا را خدشه کند. قهرا ما باید نشان دهیم که اشکالهای وی برادله وارد نیست. و اگر بتوانیم حداقل یک دلیل را نشان دهیم که عیب و آفت ندارد، برای ردّ قول دوم کافی است.

جهت این منظور ابتدا راههایی را که برای اثبات وجود خدا طی شده است، اجمالا و سپس تفصیلا ذکر می کنیم، تا ببینیم آیا از میان براهین مذکور، برهان تام و تمامی بدست می آید یا نه ؟ به حصر استقرایی هشت دسته برهان برای اثبات وجود خدا اقامه شده است.

اقسام براهین اثبات خدا:

قسم اول: براهین وجودی

دسته اول : برهان یا براهین وجودی یا وجود شناختی یا هستی شناختی (Ontological Argument) است.

آنسلم قدیس : پایه گذار براهین وجودی

پایه گذار این برهان یک فیلسوف و متکلم مسیحی است به نام آنسلم قدیس[1] که در قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم میلادی می زیسته است. یعنی حدود ۹۰۰ سال پیش.

معنای براهین وجودی

معنای این برهان این است که ما تعریفی از خدا ارائه کنیم و بعد بگوییم که معرف به این تعریف، نمی تواند وجود نداشته باشد. پس ضرورتاً وجود دارد. به تعبیر دیگر از راه تعریف خدا، اثبات وجود خدا کنیم.

تعبیر آنسلم قدیس از برهان وجودی

تعریف وی از خدا این است که موجودی که چیزی بزرگتر از آن قابل تصور نیست، نه تنها وجود ندارد، بلکه قابل تصور نیست. بعد آنسلم می گوید : شیئی که چنین تعریفی داشته باشد، حتما باید وجود داشته باشد.

بعد از وی این برهان، موافقان و مخالفان فراوانی بدست آورد. و موافقان هم من جمله دکارت، تقاریر مختلفی از آن بدست دادند. پس برهان وجودی در حقیقت یک سری براهین مختلف است که نقطهٔ اولیه آن کلام آنسلم است.

قسم دوم: براهین جهان شناختی

قسم دوم، براهین وجوب و امکان یا علت اولی یا جهان شناختی(Cosmological Argument) است. این براهین همه از بحث علیت استفاده می کنند، ولی هر کدام یک قسم علیت را بکار می گیرند.

روایت های مختلف براهین جهان شناختی

یک مرتبه می گوئیم این شیئی معلول است، و هر معلولی علتی دارد. و ادامه می دهیم تا اینکه می رسیم به علت العلل. و یک مرتبه می گوئیم این شیئی ممکن الوجود است، هر ممکن الوجودی محتاج به علت است. و آن علت یا ممکن الوجود است و یا واجب الوجود. اگر واجب باشد که مطلوب ثابت است و اگر ممکن باشد او هم محتاج به علت است و همین طور ادامه می دهیم تا اینکه اثبات می کنیم واجب الوجود را. و به همین نحو از راه حرکت.

---

[1] - آنسلم تدیس Saint Anselm (۱۱۰۹-۱۰۳۳ م) فیلسوف و متکلم و کشیش مسیحی.

برهان صدیقین در ذیل براهین جهان شناختی

برهانهای صدیقین به روایتهای مختلف، همگی جزو این دسته می باشند.

برهان صدیقین تا آنجایی که بنده خبر دارم ۲۱ تقریر مختلف دارد، از زمان شیخ الرئیس تا زمان حاج ملا هادی سبزواری (ره). مرحوم میرزا مهدی آشتیانی در شرح منظومه ۱۹ تقریر را در یک جا جمع کرده است. تقریر ۲۰ از حاجی سبزواری است و تقریر ۲۱ هم در حواشی اسفار وجود دارد. مبتکر تقریر حرکت ارسطو است. و مبدع تقریر امکان و وجوب هم فارابی است. اگرچه کسانی می گویند که قبل از وی هم این برهان مطرح بوده است. تفصیل و تحقیق مطلب بعدا خواهد آمد.

قسم سوم : براهین غایت شناختی

قسم سوم، براهین غایت شناختی یا اتقان صنع یا طرح و تدبیر یا نظم (teledogical Argument) است. به این ادله می گوید غایت شناختی چون خدا را بعنوان غایت جهان هستی معرفی می کنند.

اشکالات هیوم بر براهین غایت شناختی

دیوید هیوم فیلسوف شکاک اسکاتلندی که یکی از اعاظم فلاسفه غربی در قرن ۱۸ میلادی است، می گفت دو قسم برهان از میان سایر براهین، توده ای تر و نافذتر است، چون مقدمات زیادی ندارند. یکی برهان نظم و یکی برهان وقایع و حوادث خاص (دسته پنجم). لذا عمری را صرف کرد تا این دو برهان را مخدوش کند. او شش اشکال بر برهان نظم وارد کرد، که بنظر خودش با این اشکالها دیگر این برهان قابل دفاع نیست. بعدها عموماً غربیان می گویند که برهان نظم دیگر کمر راست نکرده است.

برهان نظم در میان مسلمین

این برهان نظم، در میان ما مسلمین هم خیلی معروف است و بعضی ها، برخی آیات قرآن را دال بر این برهان می گیرند، در غرب، خیلی ها در قبال اشکالات هیوم دفاع کرده اند. و از میان متفکران مسلمان، مرحوم شهید مطهری (ره)[۲] متعرض این اشکالها شده است.

---

[۲] - رجوع کنید به کتاب «علل گرایش به ما دیگری» فصل نارسائی مفاهیم فلسفی غرب ص ۱۷۳ الی ۱۹۷ و ایضا رجوع کنید به «الالهیات» استاد سبحانی و «الله خالق الکون» بحث برهان نظم.

قسم چهارم : براهین درجات کمال

آکوئیناس، پایه گذار براهین درجات کمال

این برهان را نسبت می دهند به یکی از اعاظم فلاسفه و متکلمان غربی بنام قدیس توماس آکوئیناس. وی برای اثبات وجود خدا پنج راه قائل بوده که یکی از آنها، همین راه است.

تقریر اجمالی بیان آکویناس

این برهان می گوید : هر گاه دو چیز با هم مقایسه می شوند و یکی راحج می شود و دیگری مرحوج، مثلا یکی زیباتر است یا کاملتر است، یا عالمتر است. یا قادرتر است یا ... در این موارد باید یک شیئ مطلقی وجود داشته باشد.

به تعبیر دیگر باید یک زیبائی و جمال مطلق وجود داشته باشد تا بعد بگوییم گل «الف» از گل «ب» زیباتر است، یعتی از زیبایی بهره بیشتری دارد. سپس به مجمع همه این کمالات می گوییم، خدا.[3]

به این برهان می گویند درجات کمال چون می گوید هر جا درجه بندی هست و صفت تفضیلی و عالی بکار برده می شود، باید یک وجه مطلق هم داشته باشد. البته لفظ کمال خصوصیت ندارد، جمال و علم و قدرت و ... هم همین گونه هستند.

بعد از قرن ۱۳ میلادی غالب متفکران گفته اند که این برهان قابل دفاع نیست.

قسم پنجم : برهان از راه حوادث و تجارت خاص

تقریر مختصر برهان

اگر از بسیاری از عوام الناس سوال کنیم که چرا به وجود خدا قائل هستی ؟ می گویند بخاطر استجابت دعا و یا فلان کرامت و معجزه. اگر خدا وجود ندارد، چرا فلانی که سرطان داشت، وقتی دعا کردند یا نذر کردند یا توسل پیدا کردند به اهل بیت (ع) شفا پیدا کرد ؟! پس معلوم می شود خدا وجود دارد. پیش فرض این استدلالات این است که وجود خدا بری وقوع امر خارق العاده و استجابت دعا و نذر ضروری است. وجه این که می گویند حوادث

[3] - نظیر این استدلال را بعضی از متفکران ما هم دارند. رجوع کنید به کتاب «خودشناسی برای خود سازی» اثر استاد مصباح یزدی.

خاص، عدم عمومیت است. ممکن است بعضی دعا کنند و بر آورده نشود. هم چنین کشف و کرامت مخصوص به عده ای است. معجزه هم که اختصاص به انبیای الهی (ع) دارد.

برهان از طریق معجزه

از همه اینها مشهورتر برهان از طریق معجزه است.

تفاوت استناد به معجزه در سنت اسلامی با مسیحی و یهودی

نکته : استناد به معجزه در کلام مسلمین با استناد به معجزه در کلام مسیحیت و یهودیت فرق می کند. ما از بحث معجزه در باب نبوت استفاده می کنیم. و معجزه همراه شرایط خاصی را علامت نبوت شخص می دانیم. اما مسیحیان و یهودیان از معجزه بیشتر در بحث توحید استفاده می کنند. آنها می گویند اگر خدا وجود نمی داشت، معجزه رخ نمی داد. ما می گوییم اگر نبی وجود نمی داشت، معجزه محقق نمی شد. رمز مطلب هم این است که مسیحیان، مسیح (ع) را پیغمبر نمی دانند، بلکه خدا می دانند. فلذا بحث نبوت خاصه در کلام مسیحیت اصلا وجود ندارد. به همین جهت از طریق معجزه، استفاده الوهیت عیسی (ع) را می کنند.

و اما یهودیان، در هر دو باب از بحث معجزه استفاده می کنند، اگرچه بیشتر در باب توحید استفاده می کنند.

برهان دومی که هیوم می گفت در بین توده ها خیلی رایج است، همین برهان است. لذا وی بر معجزه هم چهار اشکال عمده وارد کرد تا اثبات کند که معجزه دال بر امری ماوراء ماده نیست.[۴]

قسم ششم : برهانهای اخلاقی است.

قسم ششم ، برهانهای اخلاقی است. (Moral Argument) است.

کانت، پایه گذار براهین اخلاقی

مبدع این برهان ایمانوئل کانت، فیلسوف معروف آلمانی است. وی معتقد بود که همه ادیان و مذاهب در اعتقاد به سه امر مشترک هستند :

۱- وجود

۲- وجود و خلود نفس

---

[۴] - هیوم در رسالۀ خود فصلی دارد به نام «در باب معجزات» و حدود ۳۰ صفحه به نقد معجزه پرداخته است.

۳- اختیار انسان

و عجیب اینکه هیچکدام از این امور را عقل نظری نمی تواند اثبات کند. اما عقل عملی می تواند این کار را انجام دهد. لذا برهان کانت بر وجود خدا را برهان اخلاقی می گویند.

بعد از کانت خیلی ها سعی کردند که این برهان را بنحوی بیارایند که سلیم از اشکال باشد و چهار تقریر مختلف از آن ارائه شده است که بحثش خواهد آمد. ان شا الله.

قسم هفتم : برهان اجماع عام یا فطرت

تقریر برهان اجماع عام

برهان اجماع عام تقریبا نظیر برهان فطرت است در میان ما مسلمین.

اینان می گویند : چگونه است که از بدو تاریخ تا کنون همه مردم الا شاذ ونادر قائل به وجود خدا هستند. هیچ اندیشه ای این قدر عمر نکرده است. رمز این بقا چیست ؟ چرا این فکر مثل اکثر افکار دیگر ۲۰ سال عمر نکرده است یا ۵۰ سال یا یک قرن و دو قرن. اگر خدا وجود نمی داشت، این اجماع عام انسانها قال توجیه نبود.

تقریر برهان فطرت

در برهان فطرت هم ما نزدیک به این سخن را می گوییم. اگر هر انسانی فطرتش پاک باشد و دست نخوره باقی باشد، وقتی از او بپرسیم که خدا وجود دارد یا نه ؟ می گوید خدا وجود دارد.

قسم هشتم : براهین احتمالات

قسم هشتم : براهین اختلالات (Probability Argument) است. این برهان یک پیش فرض دارد و آن اینکه قائل به این نظر می گوید هیچ کدام از برهانهای سابق تمام نیست و عقل اثبات وجود خدا را نکرده، اما اموری در جهان وجود دارد مثل نظم و هدفداری و ... که اگر قائل به وجود خدا شویم، وقوع این امور محتمل تر است و بهتر توجیه می شود. چرا که این توجیه تعداد پیش فرضهایش کمتر است و بنابراین احتمالش بیشتر است. نظیر مثال باران آمدن، که در مقدمه بحث گذشت. از این راه وجود خدا اثبات نمی شود، اما یک نحوه تأییدی پیدا می کند. این راه هم تقریرهای مختلفی دارد که اشاره خواهد شد.

فیلسوفانی که قائل به قول دوم هستند (وجود خدا اثبات نشده است) باید این هشت گروه دلیل را دانه دانه خدشه کنند. و به همین نحو قائل به قول اول (وجود خدا اثبات شده است) باید نشان دهد که حداقل یکی از این براهین بی اشکال است.

و السلام علیکم